

مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی مورد مطالعه: سنت رزق

علیرضا افضلی

دانشجوی دکتری تخصصی آینده پژوهی دانشگاه تهران، تهران، ایران

a_afzali313@yahoo.com

چکیده

سنت‌های الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین، جاری می‌سازد. با کشف و استخراج سنن الهی از قرآن کریم و روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} و تبیین نظام حاکم بر آنها، می‌توان به یک چارچوب شناختی هنجاری ویژه از عالم خلقت و نظام تدبیر خداوند رسید. شناخت این سنن و احتساب آنها در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله در مدیریت اسلامی، می‌تواند مفید واقع شود. با احتساب سنن الهی در مدیریت اسلامی و هماهنگ ساختن نظام تدبیر بشری با نظام تدبیر خداوند و طراحی حرکت مبتنی بر آنها، می‌توان گفت که مدیریت اسلامی از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای نسبت به علم مدیریت رایج برخوردار خواهد شد. در این مقاله در ابتدا به تبیین سنن الهی و ضرورت لحاظ آن در تدوین علوم انسانی اسلامی، به‌ویژه مدیریت اسلامی پرداخته شده است. در ادامه به طور خاص به سنت رزق به عنوان یکی از سنن الهی حاکم بر خلقت و به تأثیرات لحاظ این سنت در علم مدیریت اسلامی اشاره می‌شود. سنت رزق از جمله سننی است که خداوند بر عالم خلقت حاکم

ساخته است و از طریق آن رزق و روزی بندگان خود را تدبیر می‌کند. روش تحقیق در این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای منابع موجود و تحقیق بر روی آیات قرآن کریم با استفاده از روش‌های تفسیری است.

کلیدواژگان: سنت‌های الهی، سنت رزق، نظام حاکم بر سنن، مدیریت اسلامی، علوم انسانی اسلامی.

مقدمه

امروزه پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران و بحث درباره ضرورت نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی، دیگر چپستی مدیریت اسلامی و ضرورت تدوین آن جزو مباحثی است که تقریباً تبیین شده و نیاز به بحث ندارد؛ بلکه بیشتر به مدل‌سازی و تولید محتوا و نظریه‌پردازی در این حوزه نیاز است. درباره مدیریت اسلامی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این رویکردها، تأثیرگذاری اسلام بر مدیریت از طریق نظام ارزشی خود است. این رویکرد، اثرگذاری اسلام بر نظریه‌ها و روش‌های علم مدیریت را ناشی از ارزش‌های اسلامی می‌داند. مدیریت اسلامی شیوه‌ای از مدیریت است که تمامی افراد یک مجموعه را به صورت انسان‌های مسئول و متأثر از ارزش‌ها با جهت‌دهی نظام ارزشی اسلام در نظر می‌گیرد. در واقع اسلام دارای یک نظام ارزشی پویا و منظم است که می‌تواند در پاسخ به پرسش‌های بشر با توجه به مقتضیات زمان و ارزش‌های خاص خود، احکام مشخص و معینی در مقوله‌های اجتماعی و از جمله مدیریت صادر کند. وجه تمایز مدیریت اسلامی از دیگر نظام‌ها، در نظام ارزشی است که ناشی از جهان‌بینی الهی است.

یکی از آموزه‌های مهم و راهبردی اسلام که به‌روشنی از آیات و روایات استنباط می‌شود و جایگاه مهمی در جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام دارد، آموزه سنن الهی است. در آیات بسیاری از قرآن کریم و روایات اهل بیت^۱، نکات فراوانی درباره ضرورت توجه به سنن و لحاظ آنها در تعامل با عالم خلقت آمده است. با بررسی تحقیقاتی که در حوزه مدیریت اسلامی صورت گرفته و بررسی پیشینه پژوهش، بحث از ضرورت توجه به سنن الهی و جایگاه آن در مباحث مدیریت اسلامی، در تحقیقات این حوزه خالی است و نیاز به توجه به سنن الهی و تبیین آنها و لحاظ آنها در مدیریت اسلامی، جدی است. لذا در این مقاله بر آن شدیم تا به این آموزه مهم در حوزه مدیریت اسلامی بپردازیم و تأثیر توجه و لحاظ آن در حوزه علوم انسانی اسلامی و به‌ویژه مدیریت اسلامی را بررسی کنیم. لذا در ابتدا مقدمات ورود به بحث شامل بیان مسئله و پیشینه تحقیق و

روش تحقیق ارائه شده و به دنبال آن به ادبیات تحقیق شامل بحث سنن الهی و ضرورت آن پرداخته خواهد شد و در گام بعد، سنت رزق به عنوان یکی از سنن الهی تبیین شده و تأثیرات آن در حوزه مدیریت اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. گفتنی است که روش تحقیق در این مقاله بر اساس روش مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسی سنن الهی و تبیین جایگاه آن در مدیریت اسلامی است. همچنین از روش‌های تفسیری و روش اجتهادی برای استخراج سنت رزق از منابع دینی استفاده خواهد شد.

در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

۱. آیا می‌توان از آموزه سنن الهی در علم مدیریت اسلامی استفاده کرد؟
۲. سنن الهی چه جایگاهی را در آموزه‌های اسلامی دارند؟
۳. «سنت رزق» در آیات و روایات چگونه است؟ و چه قواعد و قوانینی در جهت روزی دادن خداوند به بندگان در عالم خلقت وجود دارد؟
۴. نظام سنن الهی و به‌خصوص چارچوب سنت رزق، چه تأثیری را بر حوزه مدیریت اسلامی می‌گذارد؟

۱. پیشینه تحقیق

در تبیین سنن الهی، مقالات و کتاب‌های مختلفی وجود دارد. هرچند که تعداد این مقالات و کتاب‌ها بسیار است، اما به نظر می‌رسد که کارهای انجام‌شده، در مقابل حجم کاری که می‌تواند صورت گیرد، بسیار کم است. همچنین در تبیین سنت رزق نیز مقالات و کتاب‌هایی وجود دارد که در جدول زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ اما درباره استفاده و لحاظ سنن الهی در مدیریت اسلامی، به جز یک مقاله که به تبیین سنت رزق و اعتقاد به آن در نظام کسب و کار پرداخته است، کار جدی‌ای در این زمینه به چشم نمی‌خورد. بنابراین تحقیق پیش‌رو از لحاظ توجه به سنن الهی و چگونگی استفاده از آنها در تدوین مدیریت اسلامی دارای نوآوری است.

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۱	آل رسول، سوسن؛ برداورد، پروین (۱۳۹۲)	توسعه و قبض رزق و روزی از منظر قرآن کریم	بحثی در این باره که توسعه و قبض رزق، تابع مشیت خداوند است که آن را به اذن خود به شرایط و عواملی وابسته می‌کند. از جمله این شرایط کوشش و تلاش انسان و یاد خداست.

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۲	عبداللهی پور، مهدی؛ مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۹۱)	حکمت گونه گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن	بحث درباره دلایل تفاوت رزق مخلوقات، که عبارت‌اند از عامل بقای آفرینش، بستر تجلی آزمون الهی، مصلحت آفریدگان
۳	عبداللهی پور، مهدی (۱۳۹۱)	فلسفه تکفل روزی‌ها از جانب خداوند در قرآن	این مقاله پس از آنکه به معنای رزق می‌پردازد، به فلسفه و حکمت ارتزاق مخلوقات توسط خداوند و اینکه چرا خداوند روزی دادن آنها را بر عهده گرفته، پرداخته است. برخی از این حکمت‌ها بدین قرارند: ۱. روزی‌رسانی از باب تفضل خداوند بر بندگان است. ۲. فلسفه تکفل روزی‌ها و فلسفه آفرینش به هم پیوند خورده است، که آن عبارت است از بندگی و عبودیت انسان در محضر آفریننده خویش.
۴	جدیدی، احمد (۱۳۹۰)	رزق و روزی در قرآن و روایات	بحث درباره کاربردهای کلمه رزق در قرآن، رازق بودن خداوند و وجوب رزق مخلوقات، کافی بودن رزق برای مخلوقات، تلاش و طلب رزق، عوامل توسعه و تنگی روزی
۵	پورطولمی، منیرالسادات (۱۳۸۹)	رحمت الهی و رزق بندگان در هستی‌شناسی قرآن	بحث درباره سنت عمومیت رحمت خداوند و ارتباط آن با رزق مخلوقات، موارد استعمال رزق در قرآن، اسباب نزول رزق، رابطه سنت رزق با اختیار و تلاش و تدبیر انسان
۶	علی اصغر، هادوی نیا (۱۳۸۷)	جایگاه اقتصادی سنت رزق	این مقاله به مقایسه بین قانون‌های طبیعی و سنت‌های الهی می‌پردازد. در ادامه نیز به معنای رزق پرداخته شده است. همچنین از آموزه توحید افعالی برای تبیین سنت رزق کمک گرفته می‌شود. نیز مجاری سنت رزق بررسی می‌شود، که یکی از آنها سنت تسخیر و دیگری کار و تلاش است. همچنین اندکی به سنت برکت و ارتباط آن با سنت رزق توجه شده است. به نظر نویسنده، سنت برکت مرتبه‌ای از سنت رزق است.
۷	حجتی، سیدمحمدباقر؛ رضایی، علی (۱۳۸۶)	جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق	این مقاله به مقدر بودن رزق و حکمت‌های آن می‌پردازد. در ادامه به مفهوم طلب رزق توجه می‌کند و مقایسه‌ای بین انواع طلب را بیان می‌دارد. در نهایت به این مطلب اشاره می‌شود که تلاش و تدبیر انسان در جلب رزق، از عوامل دخیل در تقدیر الهی رزق است.
۸	فولادگر، محمد (۱۳۸۲)	رزق و رزاق از دیدگاه قرآن	بحث درباره انواع رزق بر حسب اعتبارات مختلف: رزق حلال و رزق حرام، رزق طالب و رزق مطلوب، رزق تکوینی و رزق تشریعی، رزق کریم، رزق گشاده و رزق تنگ، رزق حسن. همچنین اسباب توسعه و تنگی رزق مورد بحث قرار می‌گیرد.

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۹	فولاد، محمد؛ خاری آرانی، سمیه (۱۳۹۴)	بازکاوی عوامل توسعه رزق در اسلام	بحث درباره ضرورت روزی حلال و اثرات آن، عوامل توسعه و تنگی روزی، معنای رزق و انواع رزق
۱۰	باقری، مصباح الهدی؛ سپهری، مهدی؛ مسعودی پور، سعید (۱۳۹۲)	تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم	تعریف سنت و روش استخراج آن، و بحث درباره ویژگی‌های سنن و تقسیم‌بندی سنن، معنای رزق و موارد استعمال آن در قرآن و صفاتی که برای آن در قرآن به کار رفته است؛ دوگان‌های رزق (دنیوی اخروی، مادی معنوی و...)؛ الگوی مفهومی سنت رزق که شامل رازق، رزق و مرزوقی می‌شود؛ قبض و بسط رزق و حکمت آن؛ عوامل گشایش و تنگی رزق؛ کارکردهای سنت رزق در کسب و کار؛ رفتار مرزوقین در قبال قبض و بسط رزق

۲. ادبیات تحقیق: سنن الهی

۲-۱. تعریف سنت

واژه «سنت» مجموعاً شانزده بار در قرآن به کار رفته است. در برخی آیات این واژه به صورت مفرد، یعنی «سَنَةً» به کار رفته است؛ مانند آیه ﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (الفتح: ۲۳)، و در برخی آیات به صورت جمع مکسر، یعنی «سُنَن» به کار رفته است؛ مانند آیه ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۷).

واژه سنت از ماده «سَنَنَ» اخذ شده است. در کتاب مقایس اللغه درباره این واژه آمده است:

حروف اصلی این کلمه «سنن» می‌باشد و به معنای جریان پیدا کردن و جاری شدن چیزی و همگانی شدن و عمومیت پیدا کردن آن به راحتی است. اصل استعمال این واژه برای ریختن آب بر روی صورت به کار می‌رود؛ به نحوی که آب به راحتی جاری شود. از این ماده، واژه «سنت» اشتقاق پیدا کرده است که به معنای سیره می‌باشد و وجه تسمیه آن به خاطر آن است که سنت جریان پیدا می‌کند و جاری می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۰).

جوهری در صحاح می‌گوید: «السَّنَنُ: الطريقة. والسُّنَّةُ: السَّيْرَةُ. وَسَنَنْتُ التَّرَابَ: صَبَبْتُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ صَبًّا سَهْلًا. وَكَذَلِكَ سَنَنْتُ الْمَاءَ عَلَى وَجْهِهِ، إِذَا أُرْسِلَتْهُ إِرْسَالًا مِنْ غَيْرِ تَفْرِيقٍ. فَإِذَا فَرَّقْتَهُ فِي الصَّبِّ قَلَّتْهُ بِالسَّيْنِ الْمَعْجَمَةِ» (الجوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ۲۱۴۱)؛ یعنی سَنَن به معنای روش و سُنَّت به معنای سیره است. سنت التراب به معنای آن است که خاک را به راحتی بر روی زمین ریختم. همچنین در باره آب به کار می‌رود که در مثال فوق، به معنای آن است که آب بر روی

صورت‌م ریختم به طور مداوم، و اگر آب ریختن به طور مداوم و پیوسته نباشد، واژه «سنن» به کار می‌رود.

با توجه به عبارت‌هایی که از کتب لغت ذکر شد و جمع‌بندی آنها، به نظر می‌رسد که در واژه «سنن» سه مؤلفه معنایی وجود دارد که از برجستگی خاصی برخوردارند: الف) جریان داشتن و جاری بودن، ب) سهولت در جریان، ج) دوام، ثبات و استمرار. وقتی این سه مؤلفه معنایی با هم ترکیب شوند، ما را تا حدی به معنای ریشه‌ای این واژه نزدیک می‌کنند؛ یعنی می‌توان گفت که سنت چیزی است که جریان دارد و به سهولت جاری می‌باشد، و در عین حال دوام و استمرار دارد. لذا علامه طباطبائی در تعریف این واژه می‌گوید: «سنت همان طریقه و روش معمول است که به اقتضای طبیعت خود، غالباً و یا به طور دائم جریان دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۴۰). البته واژه «سنت» در علم حدیث نیز به کار می‌رود که به عنوان مثال، سنت النبی عبارت است از «طریقه النبی ﷺ قولاً و فعلاً و تقریراً أصالة أو نیابة» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۶۸)؛ یعنی عبارت است از قول و عمل و تقریر پیامبر به صورت اصلی و یا نیابتی. بنابراین هر کلامی که به پیامبر و معصومین : استناد داده شود و حکایت‌کننده قول، فعل و تقریر آن حضرات باشد، حاکی از سنت و سیره پیامبر و معصومین : است.

منظور از «سنت» در این نوشتار که به دنبال تبیین آن هستیم، «سنت الله» است که عبارت است از «روش‌ها و رویه‌هایی که خداوند متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند و از ویژگی‌های آن تخلف‌ناپذیری و تبدیل‌ناپذیری است» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۲۵). سنن الهی، قوانین ثابت و مستمری است که حق تعالی بر جهان تکوین و بر انسان و اجتماعات انسانی حاکم نموده است، و امور عالم و آدم را بر اساس آن تدبیر و اداره می‌کند. خداوند سبحان از طریق همین قوانینی که وضع کرده، اراده خود را بر جهان محقق می‌سازد. بنابراین تحقق اراده الهی در عالم وجود از طریق همین قوانین ثابت و پایدار و مستمری است که از آنها به عنوان سنن الهی یاد می‌شود.

در میان محققان نیز این سنت‌ها گاهی به عنوان «سنن اجتماعی» مطرح شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۲۵)، و گاهی نیز به عنوان «سنن تاریخی» (صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷)، و گاهی نیز به عنوان «سنت‌های الهی»، که تفاوتی با هم ندارند. منتها به نظر می‌رسد که کار بردن اصطلاح «سنن الهی» با توجه به شمولیت و توسعه بیشتر آن، بهتر باشد. ما نیز در این نوشتار از واژه سنن الهی استفاده می‌کنیم.

۲-۲. ویژگی‌های سنن الهی

سنن‌های الهی ویژگی‌هایی دارند که به برخی از آیات قرآن کریم تصریح شده است. برخی دیگر از این ویژگی‌ها از تعریف و موارد استعمال آن در آیات قرآن قابل فهم‌اند. در اینجا به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سنن الهی اشاره می‌شود.

۱-۲-۲. الهی و ربانی بودن سنن

نخستین ویژگی، خدایی بودن این سنت‌هاست. این سنن هویت و موجودیتشان را از خداوند می‌گیرند؛ یعنی وضع این قوانین و جاری شدن و برطرف شدن آنها، به دست خداوند است. اینها «سنت الله» و به عبارت دیگر «کلمات الله» هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَىٰ مَا كَذَبُوا وَادْعُوا حَتَّىٰ آتَاهُم نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّل لِّكَلِمَاتِ اللَّهِ» (انعام: ۳۴)؛ «بی‌تردید، پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند تا نصرت ما به ایشان رسید و سخنان خداوند را تغییر دهنده‌ای نیست».

تأکید قرآن بر الهی بودن سنت‌های تاریخ و خصوصیت غیبی داشتن آنها، برای پرورش اندیشه وابستگی انسان به خداست.

۲-۲-۲. عمومیت داشتن سنن الهی

عمومیت داشتن سنن الهی بدین معناست که این سنن به قوم خاصی اختصاص ندارند، بلکه تکرارپذیرند و شامل همه ملت‌ها و اقوام می‌شوند. آیات گوناگونی از قرآن به این نکته اشاره دارند. برای نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران: ۱۳۷)؛ «قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟».

در جای دیگر نسبت به کسانی که به دنبال استثنا در جاری شدن سنن الهی بودند، می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم مَّسْتَهْمُ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَزُلُّوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره: ۲۱۴)؛ «آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: یاری خدا کی خواهد بود؟ آگاه باشید که پیروزی خدا نزدیک است».

معنای این آیات آن است که همه امت‌هایی که قبل از شما زندگی می‌کردند، این سنت‌ها درباره‌شان جاری شده است. سنت‌های الهی روابطی اتفاقی و کورکورانه نیستند، بلکه شکلی ثابت و تخلف‌ناپذیر دارند و تا وقتی جهان در وضع عادی بر منوال طبیعی خود سیر می‌کند و تغییری در آن مشاهده نمی‌شود، این قوانین در عالم جاری خواهند بود. اهمیت این ویژگی ممتاز سنن الهی، آن است که موجب می‌شوند بتوان در پرتو آنها قوانینی علمی تدوین کرد.

۳-۲-۲. ثابت بودن و تغییرناپذیر بودن سنن الهی

خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر: ۴۳)؛ «هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت». با دقت در این آیه می‌بینیم که دو واژه «تبدیل» و «تحویل» از سنن الهی نفی شده‌اند. «تبدیل» در لغت به معنای چیزی را جای چیزی دیگر قرار دادن است: «جعل الشيء مكان آخر» (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۱). «تحویل» به معنای تغییر و نقل دادن از جایی به جای دیگر است: «حوّلته تحويلاً: نقلته من موضع الى موضع آخر» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۱۷). علامه طباطبائی در توضیح این دو واژه می‌نویسد:

تبدیل سنت خداوند به این است که عذاب خداوند را بردارند و به جایش نعمت و رفاه بگذارند (عذاب به ضدش تبدیل شود)، و تحویل سنت عبارت است از آنکه عذاب قومی را که مستحق آن می‌باشند، به سوی قوم دیگری برگردانند (که آنها مستحق این عذاب نیستند). سنت خداوند نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل. برای آنکه خداوند بر صراط مستقیم قرار دارد و حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۸۳).

به عبارت دیگر می‌توان گفت تبدیل، دگرگون کردن قانون است و تحویل، دخالت در تطبیق قانون است.

۳-۲-۳. انواع سنن الهی

۱-۳-۲. سنت‌های دنیوی و سنت‌های اخروی

سنت‌های دنیوی به سنت‌هایی گفته می‌شود که مربوط به عالم دنیا هستند و زندگی دنیایی انسان را دربرمی‌گیرند. سنت‌های اخروی سنت‌هایی‌اند که مربوط به عالم آخرت بوده، در آنجا جاری‌اند؛ مانند سنت جزا و پاداش که در آخرت درباره جهنمیان و بهشتیان روی می‌دهد.

۲-۳-۲. سنت‌های مطلق و سنت‌های مقید

سنت‌های مطلق (غیر مشروط)، سنت‌هایی هستند که مسبوق به اراده و فعل و اختیار انسان نیستند. در مقابل سنت‌های مقید (مشروط)، سنت‌هایی‌اند که به اراده و فعل اختیاری انسان بستگی دارند و بر اساس اراده و فعل و اختیار و انتخاب انسان تحقق می‌یابند؛ یعنی این نوع از سنن بر حسب رفتار انسان جاری و ساری است. این سنت‌های مقید خود به دو دسته سنن مرتبط با اهل حق (مانند سنت یاری)، و سنن مرتبط با اهل باطل (مانند سنت اضلال) تقسیم می‌شوند.

۲-۳-۳. سنت‌های تکوینی و سنت‌های تشریعی

سنت‌های تکوینی سنت‌هایی هستند که در عالم خلقت و تکوین قرار داده شده‌اند و بر آن حاکم هستند و وجه توصیفی دارند. این سنت‌ها خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول سنت‌هایی هستند که مربوط به جهان خلقت‌اند؛ دسته دوم سنت‌هایی که مربوط به انسان‌اند و دسته سوم سنت‌هایی که مربوط به جامعه انسانی‌اند. به عبارت دیگر، یک سلسله از سنن مربوط به حیات فردی انسان و دسته دیگر مربوط به حیات جمعی انسان‌ها هستند.

سنت‌های تشریعی، بایدها و نبایدها و الزاماتی هستند که خداوند در عالم حاکم فرموده است. نسبت بین سنت‌های تشریعی با سنت‌های تکوینی بدین صورت است که سنت‌های تشریعی مبتنی بر سنت‌های تکوینی‌اند و از درون آنها خارج می‌شوند. به عبارت دیگر نمی‌توان سنت‌های تشریعی را خارج از سنت‌های تکوینی لحاظ کرد. برای مثال می‌توان به آیه «يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره: ۲۷۶) (خداوند ربا را تباه می‌سازد و صدقات را افزون می‌کند) اشاره کرد، که سنتی تکوینی است و مبتنی بر این سنت تکوینی، سنت تشریعی «أَحَلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵) (خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است) جاری است.

۳. چرایی و ضرورت توجه به سنن الهی در مدیریت اسلامی

در آیاتی از قرآن کریم به ضرورت توجه به سنت‌هایی که درباره اقوام گذشته جاری گشته‌اند، اشاره شده است. در اینجا به چند نمونه از این آیات اشاره می‌شود: «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (محمد: ۱۰)؛ «آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟».

در این آیه بر سنت‌های الهی تکیه شده و بر کاوش روی حوادث تاریخ برای دست یافتن به سنت‌های الهی و عبرت و موعظه گرفتن از آنها اصرار گشته است. همچنین می‌توان به آیات ۱۳۷

سوره آل عمران و ۱۰۹ سوره یوسف اشاره کرد که مضمونی نزدیک به مضمون این آیه دارند و بر سیر در روی زمین و کشف سنت‌های الهی و دقت و تدبیر در آنها تأکید دارند.

﴿فَكَأَيُّ مَن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبُئْرٌ مُّعَطَّلَةٌ وَقَصْرٌ مَّشِيدٌ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (حج: ۴۵ و ۴۶)؛ «چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم، و اینک آن شهرها بر سقف‌هایش فرو ریخته است، و چه بسیار چاه‌های آب که رها شده و قصرهای افراشته [که بی‌صاحب مانده‌اند]. آیا در زمین گردش نکردند تا صاحب دل‌هایی شوند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت چشم‌ها کور نمی‌شود، و لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود».

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِصٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق: ۳۶-۳۷)؛ «چه بسیار نسل‌هایی را که پیش از ایشان هلاک نمودیم که از آنها قوی‌تر بودند و در شهرها رخنه کردند. آیا [از قدرت خدا] گریزی هست؟ قطعاً در این [عقوبت‌ها] برای آن کس که صاحب دل است یا با حضور قلب گوش فرا می‌دهد عبرتی است».

از مجموع این آیات، ضرورت کشف سنت‌های الهی و تعمیق و تدبیر در آنها اثبات می‌شود. بر اساس این آیات در جهان خلقت سنت‌هایی قرار داده شده و این سنت‌ها در مورد اقوام گذشته پیاده شده است و در مورد نسل‌های آینده نیز هم امکان تحقق دارد. پس خداوند توصیه می‌کند بر روی زمین بگردید و این سنت‌ها را ببینید و در آنها تأمل و تدبیر کنید و با استفاده از آنها برای آینده خود تصمیم بگیرید.

شهید صدر در این باره می‌گوید:

قرآن به عنوان اولین کتابی است که به این قوانین و سنت‌های الهی اشاره فرموده است، و بر وجود این سنت‌ها و جاری بودن آنها اصرار می‌ورزد و با این نوع تفکر که حوادث عالم خودبه‌خود و از روی اتفاق صورت می‌گیرد، به شدت مقابله می‌کند. همچنین قرآن با این نظر که حوادث در دست تقدیرات غیبی است و ما را در برابر آن جز تسلیم و رضا، چاره‌ای نیست، به مخالفت صریح بر می‌خیزد؛ بلکه برعکس عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این عالم خلقت، سنن و قوانینی حاکم است، و برای اینکه انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود و بتواند در این قوانین نفوذ کند، باید شناختی نسبت به این سنت‌ها و قوانین داشته باشد. در غیر این صورت، هرچند شما چشم‌پسته باشید، اما آن قوانین بر شما

حکومت خواهد کرد. شما چشمانتان را باز کنید و این سنت‌ها و قوانین را ببینید تا شما بر آنها حاکم گردید، نه اینکه آنها بر شما تأثیر بگذارند (صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷-۱۵۸). سنن الهی مجرای تحقق اراده الهی‌اند؛ یعنی امر خداوند از طریق این سنت‌ها در نظام خلقت جاری و ساری می‌شود. به تعبیر عامیانه می‌توان سنن الهی را به سیستم عامل رایانه نظام خلقت تشبیه کرد، که این رایانه خلقت از طریق سیستم عامل سنن الهی کار می‌کند. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آن موجب می‌شود که انسان هماهنگ با نظام خلقت شده، اراده انسان در راستای مدار حق و مشیت الهی قرار گیرد و با اراده خداوند هماهنگ شود و در نتیجه فعالیت و تلاش او از ثمره لازم برخوردار می‌گردد؛ چراکه در این حالت عوامل مادی مطابق با عوامل معنوی و در راستای آن قرار می‌گیرند و در نتیجه فعل ما از قدرت و اراده خداوندی برخوردار خواهد شد که در نتیجه صلاحیت استقرار و بقا را خواهد داشت.

اگر ما تاکنون در مباحث تولید علوم انسانی اسلامی، نظام‌سازی، جامعه‌سازی و از همه مهم‌تر در بحث تمدن‌سازی، به سنن الهی توجه نکرده‌ایم، واقعاً دچار غفلت بسیار بزرگی شده‌ایم؛ یعنی بدون آنکه زمین بازی را طراحی کرده باشیم، شروع کرده‌ایم به بازی کردن و در نتیجه جامعه‌مان دچار مشکلات کنونی شده است. بحث از سنن الهی با هیچ‌یک از فروع و احکام دین قابل مقایسه نیست؛ چراکه همه آن احکام و فروع در بستر سنن الهی تحقق می‌یابند. ما می‌توانیم بگوییم که سنن الهی بر هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی ما تأثیر می‌گذارند؛ یعنی بحث از سنن الهی بحثی مبنایی است که قبل از ورود به نظام‌سازی و تولید علوم انسانی اسلامی باید جایگاه‌هایمان را نسبت به آن مشخص کنیم. لذاست که این بحث در مدیریت اسلامی از جایگاهی ویژه و ممتاز برخوردار است. می‌توان ادعا کرد که سنت‌پژوهی روش‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی، مبتنی بر سنن الهی است.

به رغم کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه سنن نوشته شده است - که البته بسیار اندک است - انجام پژوهش‌هایی دیگر درباره سنن لازم است. به نظر می‌رسد بحث سنن الهی این ظرفیت را داشته باشد که به عنوان یک رشته علمی در دانشگاه‌ها ارائه شود و توسعه یابد.

۴. چگونگی کشف و استخراج سنن و استفاده از آنها در مدیریت اسلامی

برای استفاده از سنن در مباحث مدیریت اسلامی نیاز داریم که سنت‌های الهی را به طور کامل احصا و جمع‌آوری کنیم؛ اما در این مرحله باید دو نکته را تبیین کرد: منبع کشف سنن و روش جمع‌آوری.

۴-۱. منبع سنن الهی

۴-۱-۱. وحی به مثابه منبع کشف سنن

یکی از منابع مهم در بحث سنت، قرآن است. در قرآن کریم با سنن الهی آشنا می‌شویم که خداوند سبحانه به عنوان خالق هستی و عالم تکوین و همچنین شارع و قانون‌گذار حوزه شریعت، آنها را تأسیس و بر جهان حاکم کرده است. این قوانین الهی، به طور کامل در قرآن ذکر شده‌اند. به جرئت می‌توان گفت که دست‌کم نود درصد آیات قرآن ناظر بر سنت هستند و می‌توان از درون آنها سنت را کشف کرد. در نگاهی حداکثری می‌توان گفت که تمام قرآن ناظر به بحث سنن است. به عبارتی همه آیات رابطه‌ای ثابت را که خداوند جعل کرده است، به ما نشان می‌دهند.

در گام بعد، روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم : قرار دارند که به عنوان منبع قوی در بحث سنن می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. همچنین ادعیه‌ای که از سوی معصومین : صادر شده‌اند نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم در کشف سنن لحاظ شوند. برای مثال، صحیفه سجادیه دربرگیرنده نکات مهمی درباره سنن است.

وقتی با نگاه حداکثری به منابعی که تا کنون درباره سنن مورد بحث قرار گرفته‌اند توجه می‌کنیم، حدود سی سنت را می‌یابیم. این تعداد در برابر حجم عظیم سنی که می‌توان استخراج کرد، بسیار کم به نظر می‌رسد. البته این بدین معنا نیست که ما به دنبال تکثیر سنن و افزایش تعدادشان باشیم، بلکه به دنبال احصای کامل و تبیینشان هستیم؛ چراکه شناختن هر چه دقیق‌تر آنها و احصای کاملشان به شناخت کامل‌تر ما از نظام هستی و قوانین حاکم بر آن می‌انجامد.

ما به تحقیقات گسترده در بحث سنن نیازمندیم. نیاز است که برای کشف سنن، قرآن، احادیث و ادعیه، بارها و بارها از ابتدا تا انتها کانون بررسی و تحقیق قرار گیرند. تفاوتی که در احصای سنن از این دو منبع (قرآن و حدیث) می‌توان قائل شد، تقدم رتبی قرآن در استخراج سنن نسبت به روایات و احادیث و ادعیه است. به عبارت دیگر، ما در ابتدا نظام سنت‌ها را از قرآن استخراج می‌کنیم و در گام بعد، این نظام حاصله را با احادیث و روایات تکمیل می‌نماییم؛ یعنی آیات قرآن به عنوان محور بحث در شکل دادن این نظام مورد لحاظ قرار می‌گیرند و سپس تکمیل‌کننده این نظام، روایات معصومین : است.

۴-۱-۲. عقل به مثابه منبع کشف سنن

عقل نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع در کشف سنن لحاظ شود. دین همه چیز را درباره سنن ذکر نکرده است و برخی موارد را به حساب تجربه و کشف عقل گذاشته است. لذا این گونه نیست

که عقل هیچ بهره‌ای در کشف سنن نداشته باشد. البته قوانینی که عقل می‌تواند آنها را کشف کند، قوانینی هستند که در عالم مشهود قرار دارند و نه در عالم غیب؛ اما در حوزه عالم غیب فقط از طریق وحی است که می‌توان این سنت‌ها را کشف کرد.

۲-۴. روش جمع‌آوری

درباره منبع وحی، قطعاً روش اجتهادی بهترین روش در کشف سنن از منابع نقلی (قرآن و روایت) است. با استفاده از روش اجتهادی رایج در علم فقه، می‌توانیم سنن الهی را از آیات و روایات استخراج کنیم؛ اما باید در اجرای صحیح این روش، دقت لازم را داشت.

اگر بخواهیم در استخراج سنن از قرآن، از کلیدواژه کمک بگیریم، می‌توان کلیدواژگانی مانند «سنت»، «کلمه»، «قول»، «مثل»، «عبرت»، «ذکر»، «آیه»، «تذکره»، «مثل»، «تعقلون»، «تذکرون»، «کذلک» و «عسی» و نیز واژگانی را که مرتبط با قضای خداوند و اراده الهی باشند، لحاظ کرد. همچنین سرگذشت اقوام گذشته که در قرآن ذکر شده است، یک منبع مهم برای کشف سنن به حساب می‌آید. در این بین اسلوب‌های شرطی از جایگاه مهمی در یافتن سنن برخوردارند؛ اما باید گفت که همه این کلیدواژه‌ها محدود هستند و شامل همه سننی که در قرآن ذکر شده است، نمی‌شوند. چه بسیار سنن دیگری در قرآن وجود دارند که با این کلیدواژگان و اسالیب نمی‌توان آنها را یافت. لذا ضرورت دارد که کل قرآن از ابتدا تا انتها با موضوع سنن بررسی شود؛ آن هم به دفعات مختلف. همچنین درباره روایات مانند قرآن، باید از ابتدا تا انتهایش، بارها بررسی شود و روایاتی که ناظر بر سنن هستند، استخراج گردند.

در بحث احصای سنن از قرآن کریم، باید به سیاق آیاتی که سنت در آنها ارائه شده است، مکی و مدنی بودن آیات، الفاظ به‌کاررفته برای بیان سنت، جایگاه لفظ در آیه و جایگاه آیه در آن مجموعه و نوع بیان به طور کلی دقت شود. مثلاً باید دقت شود که سنت‌هایی که درباره فرد به کار می‌روند، کارکرد اجتماعی دارند یا خیر. در گام بعد باید بررسی شود که آیا تعمیم آنها بر تاریخ و تمدن امکان‌پذیر است یا خیر؟ البته در روش اجتهادی، اگر به طور صحیح و دقیق پیاده شود، تمام این دقت‌ها صورت خواهد گرفت.

به طور کلی در استفاده از سنن الهی در حوزه مدیریت اسلامی، ابتدا باید احصای کامل از سنن و همچنین ویژگی‌های هر یک از سنن و شرایط تحقق هر یک از آنها انجام شود. باید هر یک از سنن به‌تنهایی بررسی شوند و تبیین خوبی از شکل و شرایط تحقق آنها صورت گیرد. هر یک از سنن الهی در یک چارچوب و شرایط خاص جاری خواهند شد که لازم است این ویژگی‌ها و شرایط

خاص تحقق هر سنت به نحو کامل و جامع احصا شود. در گام بعد لازم است نحوه تعامل سنن الهی با یکدیگر به طور دقیق تبیین شود. کشف چگونگی تعامل سنن الهی از مراحل مهم و سخت و دقیق است که دقت بسیار بالایی را می‌طلبد. استفاده از تاریخ گذشته و وقایع تاریخی می‌تواند در کشف هرچه دقیق‌تر نحوه تعامل سنن الهی راه‌گشا باشد.

با شناخت سنن الهی و احصای دقیق آنها و تبیین نحوه تعامل آنها با یکدیگر، می‌توان به سامانه دقیقی از سنن الهی رسید که این سامانه می‌تواند چارچوب شناختی هنجاری بی‌بدیلی از عالم خلقت را به ما ارائه دهد. مبتنی بر این سامانه به‌دست‌آمده از سنن الهی، می‌توان موضوعات و مباحث مختلف را تبیین، و تحلیل خوبی از آنها ارائه کرد.

در بخش بعد به طور خلاصه به عنوان مطالعه موردی، «سنت رزق» مورد بحث قرار گرفته است و به خرده سنن مرتبط با آن به عنوان سنی که شکل‌دهنده جریان سنت رزق در عالم خلقت هستند، اشاره می‌شود. با بررسی کتاب‌ها و مقالات گوناگون در حوزه سنت رزق، به نظر می‌رسد که این نوع تحقیق در احصای سنت رزق و تبیین خرده سنن مرتبط با آن صورت نگرفته است و این تحقیق در نوع خود، از نوآوری برخوردار است. در نهایت هم به برخی از تأثیرات آن بر علم مدیریت اشاره می‌شود.

۵. سنت رزق

در این بخش ما به دنبال تبیین سنت رزق و خرده سنن مرتبط با آن، مبتنی بر آیات و روایات هستیم. لذا در ابتدا آیات قرآن کریم بررسی خواهند شد. کلیدواژه‌ای که برای این بخش در احصای آیات مرتبط با موضوع بحث می‌توان انتخاب کرد، کلیدواژه «رزق» با تمام مشتقات آن است؛ ولی همان‌طور که قبلاً ذکر شد، با توجه به کاستی‌هایی که در استفاده از کلیدواژه برای استخراج آیات وجود دارد، لازم دیده شد که کل آیات قرآن کریم از ابتدا تا انتها بررسی شود؛ چراکه آیات دیگری وجود دارند که تبیین‌کننده سنت رزق هستند، ولی با کلیدواژه مذکور نمی‌توان آنها را به دست آورد. لذا لازم دیده شد تا کل آیات قرآن از ابتدا تا انتها مورد کاوش قرار گیرد و آیات مرتبط، انتخاب شود. پس از استخراج کل آیات مرتبط با سنت رزق و سپس تأیید صحت فهم آیات با استفاده از تفاسیر المیزان و مجمع‌البیان و تفاسیر روایی مانند نورالثقلین و البرهان، این آیات نظام‌دهی شد و نظام حاکم بر سنت رزق از درون این آیات استخراج گشت. در گام بعد برای تکمیل این نظام به‌دست‌آمده، روایات اهل بیت : مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت با جمع بین آیات و روایات، نظام حاکم بر سنت رزق احصا شد.

در این بخش در ابتدا تعریف رزق، و در ادامه چگونگی سنت رزق در آیات و روایات و خرده سنن مرتبط با آن به همراه مستنداتش به اجمال ارائه می شود.

۱-۵. تعریف رزق

در کتاب صحاح اللغة، رزق به معنای چیزی آمده است که از آن نفع برده می شود و مورد انتفاع قرار می گیرد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۸۱). مصطفوی در کتاب خود پس از ذکر اقوال برخی علمای علم لغت، در جمع بندی معنای رزق می گوید: رزق بخششی خاص است که مطابق با حال طرف مقابل و احتیاجات اوست و موجب تداوم زندگی او می شود و این به صورت مداوم در جریان است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۲۴).

با جمع بندی عباراتی که در کتب لغت ذکر شده است، به نظر می رسد که در واژه «رزق» دو مؤلفه معنایی وجود دارد که از برجستگی خاصی برخوردارند: الف) تطابق داشتن با حال و احتیاجات طرف مقابل، ب) تداوم و جریان داشتن. توجه به دو قید مذکور نشان دهنده قضاوت بین مفهوم رزق و مفاهیم دیگری مانند درآمد، بخشش، احسان و انفاق است؛ چراکه رزق، آن چیزی است که مطابق با نیاز فرد و احتیاجات اوست و برای ادامه حیات او لازم و ضروری است و مورد انتفاع و بهره شخص قرار می گیرد. لذا پیامبر اکرم ﷺ در روایتی می فرماید: «از مال تو آن مقدار برای توست و رزق تو حساب می شود که بخوری و تمام کنی، یا ببوشی و از بین ببری، و یا آنکه ببخشی و از آن درگذری، و باقی آن مال برای وارثین توست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۳۸). البته گفتنی است که این تعریف از واژه رزق، تنها امور مادی را شامل نمی شود؛ چراکه شرط انتفاع و بهره مندی و مطابقت با احتیاجات شخص، شامل امور معنوی مانند عزت، کرامت، علم، نبوت، خلافت، امامت و ولایت نیز می شود. در قرآن کریم این واژه هم در امور مادی مانند باران، مانند آیه «وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (جاثیه: ۵)، هم در خوراک و نوشیدنی، مانند آیه «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ» (بقره: ۶۰)، هم در امور معنوی مانند نبوت به عنوان رزق نیکو، مانند آیه «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا» (هود: ۸۸)، هم در پاداش اخروی، مانند آیه «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا» (حج: ۵۸) و هم در بهره گیری از قرآن، مانند آیه «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ» (واقع: ۸۲) به کار رفته است. بنابراین در معنای رزق این گونه می توان نتیجه گیری کرد که رزق، هر آن چیزی است که مورد انتفاع انسان قرار می گیرد و انسان در زندگی و حیات خود، به آن نیاز دارد؛ حال می خواهد مادی باشد یا معنوی، دنیوی باشد یا اخروی.

۵-۲. مروری بر آیات قرآن و احادیث در رزق

واژه رزق با همه مشتقاتش به طور کلی، ۱۲۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است. ما در این بخش به ارائه آیاتی که با رزق مرتبط اند و بیان کننده سنت رزق هستند، می پردازیم. در آیات مربوط به رزق، قواعدی که خداوند در رزق دادن به بندگان رعایت می کند، ذکر شده است. با احصای این قواعد و جمع بندی و تکمیل آنها با روایات مرتبط با رزق، می توان به تصویری زیبا از سنت رزق در آیات و روایات دست یافت. می توان گفت که این قواعد، خرده سنتی هستند که سنت کلان رزق را شکل می دهند.

۵-۲-۱. خداوند، روزی دهنده مطلق

در آیات مختلفی از قرآن کریم به این نکته اشاره شده که روزی دهنده فقط خداوند است (فاطر: ۳) و روزی دادن، یکی از افعال مختص خدای تعالی است (عنکبوت: ۶۰)؛ هر چند که اسبابی در مسیر روزی دادن وجود داشته باشد. خزائن الهی، همه به دست اوست (حجر: ۲۱) و اگر خداوند بخواهد روزی اش را منع کند، هیچ کس جلودار او نیست (ملک: ۲۱) و نمی تواند به جای او روزی دهد.

۵-۲-۲. تعهد شخص خداوند نسبت به رزق بندگان

بر طبق آیه ششم سوره مبارکه هود، هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی اش بر عهده خداوند است و رزق همه جنبندگان به عنوان حقی بر عهده خداوند هست. همچنین بر طبق آیات ۵۷ و ۵۸ سوره ذاریات و ۱۳۲ سوره طه، خداوند از انسان ها رزق نخواسته است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «خداوند رزق شما را بر عهده گرفته است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۵-۲-۳. رسیدن حتمی و قطعی رزق به بندگان از آسمان

بر طبق آیات ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ * فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَتَطَفَّؤْنَ (ذاریات: ۲۲-۲۳)، رزق بندگان از عالم غیب به عالم شهود نازل می شود، و خداوند این مسئله را امری قطعی و حتمی ذکر می کند؛ مانند صحبت کردن. چطور شما درباره صحبت کردن خود شک ندارید و آن را حق می شمارید؟ رزق شما نیز همین طور حق و حتمی است و هیچ شکی در رسیدن آن به خودتان نداشته باشید.

۴-۲-۵. راحتی رزق رسانی برای خداوند، هرچند از راه‌های ظاهراً پیچیده و سخت

در نظامی که خداوند قرار داده است، روزی انسان به راحتی به او می‌رسد و لازم نیست چندان سخت و پیچیده، رزق خود را از طبیعت به دست آورد، بلکه رزق او در دسترس خواهد بود. بر طبق آیه ۱۵ سوره مبارکه ملک، خداوند مبتنی بر سنت تسخیر، زمین را مسخر انسان قرار داده است تا انسان بتواند در آن سیر کند و به هر روشی که ممکن است روزی خود را از آن استخراج کند. لذا می‌بینیم در اجرای سنت رزق در عالم خلقت، خداوند سنت تسخیر زمین و موجودات دیگر را نیز جاری کرده است، تا به راحتی رزق انسان به دست او رسد (پس: ۳۳-۳۵).

۵-۲-۵. نقش مشیت خداوند در تعیین و قبض و بسط رزق

بر طبق آیه ۳۰ سوره اسراء و ۱۲ سوره شورا، خداوند هر طور بخواهد بر طبق مشیت خود، روزی بندگان را توسعه می‌دهد یا تنگ می‌گرداند و روزی بندگان را بر طبق مشیت و اراده خود، مقدر می‌فرماید. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «رزق را فقط خداوند کم و زیاد می‌فرماید» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۲۰۴۲).

۶-۲-۵. تفاوت روزی بندگان

یکی از سنت‌های خداوند در رزق، آن است که خداوند این رزق را متفاوت قرار داده و برخی را بر برخی دیگر برتری داده است (نحل: ۷۱). این تفاوت در خلقت، مایه امتحان است که مشخص شود چه کسی به وظیفه خود عمل می‌کند (انعام: ۱۶۵). همچنین در این تفاوت که خداوند در خلقت قرار داده است، انسان‌ها با هم ارتباط می‌یابند و جامعه به هم گره می‌خورد و رابطه رئیس و مرنوسی و تسخیر بین آنها به وجود می‌آید و آنها به هم نیاز پیدا می‌کنند (سنت استخدام) (زخرف: ۳۲). در این صورت است که جامعه شکل پیدا می‌کند.

۷-۲-۵. تقدیر روزی بندگان به اندازه صلاحشان

خداوند روزی بندگان را در بین آنها تقسیم فرموده و روزی هر یک از آنها را به مقداری که موجب صلاحشان می‌شود، مقدر ساخته است (حجر: ۲۱). حکمت آن را هم این گونه بیان می‌فرماید که اگر روزی بندگان را بسط و گسترش دهد، آنها بر روی زمین فساد خواهند کرد (شورا: ۲۷)؛ زیرا طبیعت مال این گونه است که وقتی زیاد می‌شود، گردن‌کشی و طغیان را به همراه می‌آورد.

۸-۲-۵. تقدیر رزق انسان از راه حلال

بر طبق نکته گذشته و آیات ذیل آن، خداوند رزق بندگان را به مقداری که صلاحشان است، مقدر فرموده است. از سوی دیگر، خداوند رزق انسان‌ها را از حرام، از این حیث که حرام و معصیت است، مقدر نفرموده؛ چراکه خود خداوند، گناهان بندگان را به خود نسبت نداده و تشریع عمل زشت را از خود نفی کرده است (اعراف: ۲۸؛ نحل: ۹۰). در روایات بسیاری این نکته تذکر داده شده که خداوند برای هر انسانی، رزقی از حلال مقدر فرموده است و اگر انسان به جای این رزق حلال، سراغ رزق حرام برود، این رزق حرام به جای آن رزق حلال و در حد و اندازه آن برایش به حساب می‌آید و درعین حال، شخص به خاطر رزق حرام مجازات می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۷).

۹-۲-۵. رزق مقدر حلال به مثابه رزق خیر

رزقی که خداوند برای انسان مقدر فرموده، خیر اوست (طه: ۱۳۱). خداوند در آیه ۸۶ سوره مبارکه هود، پس از آنکه از عمل زشت قوم شعیب نهی می‌کند - که کم‌فروشی می‌کردند و در وزن و پیمانه کم می‌گذاشتند - می‌فرماید: «باقی‌مانده سود که خداوند برای شما قرار داده، برای شما بهتر است، اگر که ایمان آورده‌اید». لذا سود و رزق حلالی که خداوند برای شما پسندیده، برای شما بهتر است از سودهایی که از راه‌های نامشروع و حرام به دست می‌آورید.

۱۰-۲-۵. نیکو بودن رزق بر اساس ایمان و عمل صالح

خداوند تبارک و تعالی بر طبق آیه ۱۱ سوره طلاق می‌فرماید: هر کس که به خداوند ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند رزقش را نیکو می‌گرداند. البته درباره اینکه رزق نیکو چیست، علامه طباطبائی آن را ایمان و توفیق عمل صالح دانسته که رزقی معنوی است. برخی مفسران نیز آن را بهشت دانسته‌اند؛ ولی می‌توان گفت که رزق چنین شخصی نیکوست، و این رزق اطلاق دارد؛ چه دنیوی باشد و چه اخروی.

۱۱-۲-۵. سختی زندگی برای اعراض کنندگان از یاد خدا

خداوند سبحان می‌فرماید: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) (طه: ۱۲۴). کلمه «معیشه» به معنای هر آن چیزی است که انسان به وسیله آن، ادامه حیات می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۶). کلمه «ضنک» نیز به معنای تنگ است که درباره هر چیز که به کار رود، تنگی آن را بیان

می‌کند؛ مانند مکان تنگ (راغب، ۱۴۱۲ق، ۵۱۲). خداوند در آیه یادشده می‌فرماید: هر کس از یاد خدا اعراض کند، دچار زندگی و معیشت تنگ و سخت می‌شود. منظور از زندگی تنگ و سخت، صرفاً به این معنا نیست که مال اندکی شامل حالش می‌شود، بلکه ممکن است شخص مال فراوانی داشته باشد، ولی نتواند از آن استفاده کند؛ یا ممکن است در عین داشتن مال فراوان، مشکلات و سختی‌های بسیاری در زندگی داشته باشد و دچار عدم آرامشی شود که آن زندگی با تمام مکتب برایش تنگ شود.

۱۲-۲-۵. رزق «من حیث لایحتسب» برای افراد باتقوا

خداوند بر طبق آیات دوم و سوم سوره طلاق، می‌خواهد به انسان پرهیزکار، خارج از نظام محاسباتی و از جایی که احتمالش را نمی‌دهد، روزی دهد. در تفسیر نورالثقلین ذیل آیه فوق آمده است که از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه پرسیده شد؛ آن حضرت فرمودند که در دنیا، این روزی، من حیث لایحتسب به او می‌رسد (عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۵۵).

۱۳-۲-۵. اگر احتمال کفر مؤمنان وجود نداشت، هر آینه خداوند به کفار مال فراوان می‌داد

با توجه به آیه ۱۸ سوره اسراء، هر کس که در طلب دنیا باشد و دنیا را هدف خود قرار داده باشد و امیدی به آخرت نداشته باشد، خداوند دنیا را به مقداری که خود بخواهد (نه آنکه شخص بخواهد) به او می‌دهد. همچنین با توجه به آیات ۳۳ تا ۳۵ زخرف، اگر احتمال تحقق امت واحده بر کفر نمی‌بود، خداوند به کسانی که کفر ورزیدند و به خدا و روز جزا ایمان نیاوردند، دنیایی فوق‌العاده مهیا می‌داد؛ اما در آخرت، بهره‌ای از این مواهب نخواهند داشت. این نشان می‌دهد که دنیا و رزق آن ارزش چندانی ندارد.

۱۴-۲-۵. تفاوت رزق و «فضل»

خداوند رزق انسان‌ها را برحسب صلاح آنها در میانشان تقسیم فرموده و برای هر انسانی رزقی مشخص تعیین کرده است. در عین حال خداوند فضلی کثیر دارد که آن را بین بندگان خود تقسیم نفرموده و قابل تغییر است و بر طبق آیه ۳۲ نساء، به درخواست از فضل خداوند امر شده و دعا در این زمینه مفید است. این فضل به دست خداوند است و به هر که بخواهد، می‌دهد (حدید: ۲۹). فضل، مقداری فراتر از اجر و رزق مخصوص است که به واسطه رحمت الهی داده می‌شود.

۱۵-۲-۵. در دستیابی به رزق، طلب و تلاش در حد انجام وظیفه لازم است

در آیه ۲۳ روم، به دست آوردن رزق، از طرفی از آیات و نشانه‌های خداوند شمرده شده است و از طرفی بیان شده که خداوند با توجه به سنت تسخیر، موجودات را مسخر انسان گردانید تا انسان بتواند رزق خود را از طریق آنها به دست آورد (نحل: ۱۴). همچنین با توجه به آیه ۱۷ عنکبوت، به طلب کردن و به دست آوردن رزق نزد خداوند دستور داده شده است نه در نزد غیر خداوند. بر طبق روایات انسان باید به دنبال طلب رزق باشد و در این مسیر وظیفه خود را انجام دهد. اینکه رزق انسان کفایت و تضمین شده است، نباید مانع از طلب و کوشش در جهت دست یافتن به رزق شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۷). همچنین در مواقع سخت، مانند جنگ و مواقع حساس، مانند روز قبل از ظهور نیز انسان نباید دست از طلب رزق بردارد (همان، ص ۲۶). بر طبق روایات، حد طلب رزق آن است که انسان نه دنیای خود را تباه کند و نه حرص به دنیا داشته باشد و به آن دل ببندد؛ بلکه باید حالت میانه‌روی و اعتدال داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۲).

حال ممکن است پرسیده شود که مگر رزق مقدر نیست؟ پس چرا باید به دنبال آن رفت؟ در پاسخ می‌توان گفت که رزق انسان مقدر است به طلب او، نه به عدم طلب؛ یعنی بر طبق روایات چنین نیست که انسان فقط مشغول عبادت باشد و رزق مقدر او برسد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۵)؛ بلکه شرط رسیدن روزی آن است که انسان وظیفه خود را در طلب رزق انجام دهد. البته اینکه تأکید می‌شود در طلب رزق وظیفه خود را انجام دهد، به تناسب شخص فرق می‌کند (همان، ج ۱۷، ص ۵۵).

۱۶-۲-۵. لزوم ترسیدن از فقر

بر طبق آیه ۲۸ سوره توبه، اگر در مقابله با دشمنان و طبق محاسبات مادی، به سبب قطع ارتباط با آنها به فقر دچار می‌شویم و از فقر می‌ترسیم، باید بدانیم که خداوند در این مقابله، در صورتی که به دستور و وظیفه عمل کنیم، ما را از فضلش غنی خواهد کرد؛ بلکه در مقابل تحریمی که دشمن بر ما اعمال می‌کند، اگر صبر کنیم گشایش ایجاد خواهد شد. چنین نیست که خداوند رزق ما را فقط در رفع تحریم منحصر کرده باشد، بلکه مبتنی بر این آیه، باید به وظیفه خود عمل کنیم و در عمل به وظیفه، غنی شدن از فضل خداوند وجود دارد.

همچنین با توجه به آیه ۳۲ سوره نور نیز این نکته برداشت می‌شود که اگر بنا بر محاسبات مادی، بخواهید به وظیفه عمل کنید و ازدواج کنید، ممکن است فقیر شوید؛ اما از آنجاکه تکلیف ما عمل به وظیفه است و رزق از سمت خداوند تضمین شده است، نباید از فقر ترسید؛ چراکه خداوند

خودش ما را بی‌نیاز می‌کند. لذا محاسبات مادی در این میان چندان مورد توجه نیست و رزق از طریق عمل به وظیفه، به انسان می‌رسد.

۱۷-۲-۵. رزق طالب و رزق مطلوب

در روایات مختلفی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۷) بر این نکته تصریح شده که رزق انسان بر دو نوع است: رزقی که به دنبال انسان است (رزق طالب) و رزقی که انسان به دنبال آن است (رزق مطلوب). نوع اول رزقی است که به دنبال انسان می‌آید و جوینده شخص است و به او خواهد رسید. در این نوع اول، نیاز به طلب و درخواست کردن نیست؛ نوع دوم رزقی است که برای انسان مقدر شده و مشروط است به طلب و درخواست شخص و تا انسان آن را طلب نکند، به آن دست نمی‌یابد. به عبارت دیگر، این رزق مقدر است به درخواست و طلب کردن شخص.

۱۸-۲-۵. گشوده شدن دری دیگر از رزق

در برخی روایات (همان، ص ۵۳) این نکته ذکر شده است که اگر خداوند دری از رزق را به روی انسان ببندد، در دیگری از رزق را به سوی انسان می‌گشاید که از آن بهتر است. به عبارت دیگر خداوند به دنبال رهاسازی انسان مؤمن از محاسبات مادی در رزق و رهاسازی او از نگاه به اسباب و علل در رزق خود است و می‌خواهد او را کاملاً از این چارچوب بیرون آورد و تحت ولایت و حاکمیت خود قرار دهد.

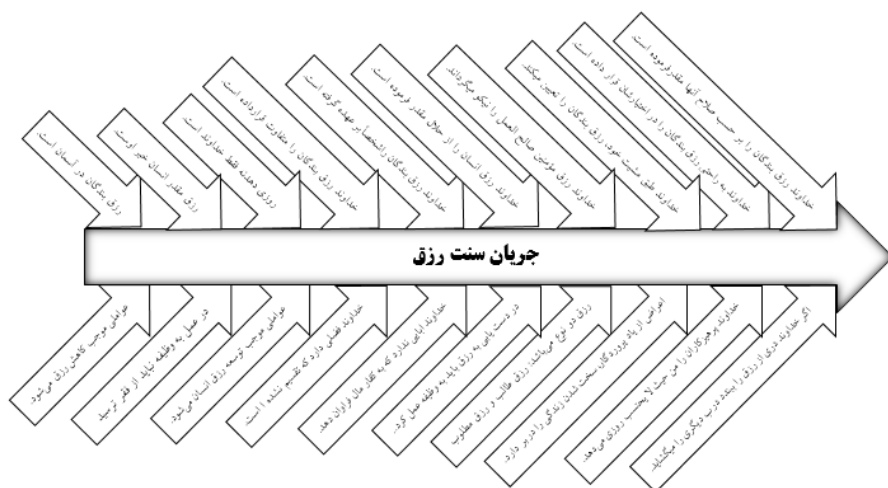
۱۹-۲-۵. عوامل توسعه رزق

بر اساس بسیاری از آیات و روایات، کارها و عواملی وجود دارند که موجب تغییر در رزق انسان و افزایش آن می‌شوند. با دقت در این آیات (طلاق: ۷؛ نوح: ۱۰-۱۲) و روایات، این نکته برای انسان تقویت می‌شود که افزایش روزی، اساساً بر خلاف محاسبات مادی است؛ مثلاً ازدواج کردن یا دادن صدقه و زکات. بنابراین در سنت رزق، نباید چندان در چارچوب محاسبات مادی حرکت کرد. همچنین از دیگر عوامل می‌توان به آسان گرفتن بر خانواده، اطعام کردن، کمک مالی کردن به برادر مؤمن، امانت‌داری، دعا پشت سر برادر مؤمن، دائم الوضو بودن، زکات دادن، خوش‌نیت بودن (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ۲۰۵۶)، زیارت امام حسین (علیه السلام) (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۵۱)، قرائت قرآن در منزل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۶۱۰)، دعا و تعقیب در بین الطلوعین (همان، ص ۴۷۸)، مدارا و نرمی کردن (همان، ص ۱۱۹)، خوش‌رفتاری با همسایه (همان،

۲۰-۲-۵. عوامل کاهش رزق

۳-۵. جمع‌بندی سنن مرتبط با رزق

شکل ۱. نمای کلی از خرده سنن مرتبط با سنت رزق



در جمع‌بندی بحث سنت رزق می‌توان گفت که مبتنی بر آیات و روایات، یک عنوان «رزق» وجود دارد که برحسب صلاح شخص مقدر می‌شود و خود به دو نوع تقسیم می‌گردد: طالب و مطلوب. عواملی نیز وجود دارند که موجب کاهش یا افزایش این رزق می‌شوند. در رزق طالب لازم نیست شخص به دنبال آن برود و بالاخره به شخص می‌رسد و تخلفی در آن نیست و نیاز به طلب و درخواست کردن در آن وجود ندارد. روایاتی هم داریم که خداوند رزق بندگان را در بین الطلوعین تقسیم می‌کند و خواب بودن انسان در آن هنگام، سبب می‌شود که از این رزق محروم گردد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۰۴). این روایت احتمالاً ناظر به رزق طالب است.

اما رزق مطلوب، برحسب صلاح شخص، مقدر و تعیین شده است و شخص باید به دنبال آن برود و مقدر شدن آن، به طلب شخص است؛ یعنی در این قسم، اگرچه رزق مقدر و تعیین شده، ولی این تعیین و تقدیر مشروط به طلب شخص است و درخواست کردن روزی در آن تقدیر قرار دارد. لذا در این نوع رزق، شخص باید در حد وظیفه به دنبال رزق برود و در این قسمت است که دستور به اجمال و میانه‌روی و اعتدال در طلب شده است؛ چراکه رزق انسان در حدی خاص مقدر شده و با تلاش هر چه بیشتر او و حرص ورزیدن، رزق مشخص او افزایش نمی‌یابد. اگرچه ممکن است اموالش زیاد شود، ولی رزقش افزایش نمی‌یابد. لذا روایاتی که تأکید می‌کنند رزق مقدر است و تا انسان رزق مقدر خود را نخورد، از دنیا نمی‌رود و تلاش بیش از حد در آن فایده ندارد و انسان باید رزق خود را از حلال به دست آورد، ناظر به همین قسمت هستند و تا شخص تلاش لازم را نداشته باشد، این دسته از رزق به او نمی‌رسد. به نظر می‌رسد عواملی هم که در روایات به عنوان عوامل افزایش‌دهنده و کاهش‌دهنده رزق معرفی شده‌اند، شامل هر دو دسته از رزق طالب و مطلوب می‌شوند.

در کنار رزق، «فضل» قرار دارد که بر طبق روایات، فضل خداوند، بسیار است و آن را بین مخلوقات تقسیم نکرده و راه دستیابی به آن، دعا، سؤال و درخواست از خداوند است. بنابراین دعا، نقش تعیین‌کننده در دستیابی به فضل خداوند دارد.

۶. جایگاه سنن الهی و به‌ویژه سنت رزق در مدیریت اسلامی

به طور کلی مدیریت اسلامی تابع ارزش‌ها و مسئول تزییق ارزش‌ها به جامعه است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد یکی از اثرات مهم علوم اجتماعی و به‌ویژه علوم کاربردی از دین، اثرات ناشی از نظام ارزشی دین است. علوم انسانی با انسان سروکار دارند و انسانیت هم بدون ارزش‌ها مفهوم روشنی ندارد. ازاین‌رو همه علوم انسانی به نوعی با مفاهیم ارزشی رابطه دارند. سیستم رفتار انسان از نظام

ارزشی آگاهانه و ناآگاهانه اثر می‌پذیرد و گزینش یک سیستم رفتاری و ترجیح آن بر دیگر سیستم‌ها چه در مورد فرد، چه در مورد گروه، سازمان یا جامعه بزرگ‌تر، بر اساس نظام ارزشی خاصی شکل می‌گیرد که تعیین‌کننده اهداف و جهت بخش رفتارهاست. بنابراین فرد، گروه، سازمان و یا جامعه‌ای که نظام ارزشی اسلام را پذیرفته باشد، از نظر ابعاد مختلف علوم انسانی دارای ابعاد ارزشی خاصی خواهد بود که به دلیل آن، سیستم رفتاری ویژه و متناسب با آن را گزینش خواهد کرد و گزینش و بروز رفتارهای دیگر نشانه عدم پابندی به نظام ارزشی اسلام خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص ۱۴). کینی^۱ نیز معتقد است تفکر درباره ارزش‌ها می‌تواند تمام فعالیت‌های مدیریت را تحت تأثیر قرار دهد (توکلی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین تأثیر نظام ارزشی بر علم مدیریت انکارناپذیر است.

از سوی دیگر رابطه اسلام و آموزه‌های آن با علم مدیریت را می‌توان به طور خلاصه در عرصه‌های گوناگون، از جمله در موارد زیر تصور کرد:

۱. رابطه جهان‌بینی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی با مدیریت؛
۲. رابطه ایدئولوژی و احکام اسلامی با مدیریت؛
۳. رابطه نظام ارزشی اسلام با مدیریت: این رابطه به‌ویژه با علوم کاربردی و عملی است که مدیریت نیز جزو آنهاست. این رابطه از راه تأثیر نظام ارزشی اسلام در اعمال مدیر، تعیین اهداف، استراتژی، خط مشی‌ها، سیاست‌ها، روش‌ها و رویه‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی ظاهر می‌شود؛
۴. رابطه اسلام با دانشمند مسلمان و محقق در علم مدیریت: این رابطه که مهم‌ترین رابطه اسلام با مدیریت است، از راه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و ایدئولوژی اسلام بر فکر و عمل پژوهشگر مسلمان تأثیرگذار است؛ پژوهشگری که برای رفع حوایج مادی و دنیوی و غیرمادی و معنوی جامعه اسلامی با روش‌های مورد پذیرش اسلام به تولید علم مدیریت می‌پردازد و با توجه به این مبانی و مفروضات، نظریه‌پردازی کرده، برنامه‌های عملی، روش‌ها، تکنیک‌ها، اختراعات و ابداعات را ایجاد و ارائه می‌کند (نجاری، ۱۳۸۷، ص ۱۵-۱۸).

با توجه به این مقدمه می‌توان گفت که شناخت سنن الهی و لحاظ آنها، تأثیر ویژه‌ای هم بر جهان‌بینی و هستی‌شناسی ما و هم بر مدیریت و نحوه عمل ما می‌گذارد. با شناخت سنن الهی می‌توان به شناختی بی‌بدیل از جهان خلقت و عالم تکوین رسید که این هستی‌شناسی بی‌بدیل است

و تأثیر شگرفی بر سیاست‌گذاری و روش‌ها و رویه‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی می‌گذارد. در مکتب غرب نمی‌توان چنین آموزه‌ای را یافت. در فلسفه تاریخ، مباحثی در ارتباط با قوانین حاکم بر تاریخ وجود دارد که فلاسفه تاریخ به آن می‌پردازند و البته قابل مقایسه با سنن الهی نیست. می‌توان به جرئت گفت که تبیین سنن الهی و استفاده از آن در علم مدیریت اسلامی، سبب می‌شود که مدیریت اسلامی از جایگاه ویژه و متمایزی نسبت به مدیریت رایج برخوردار شود.

در بحث کارکردهای سنت رزق و استفاده از آن در مدیریت اسلامی، باید دیگر سنن الهی مرتبط نیز تبیین شوند و ارتباط و نحوه تعامل سنت رزق با سنن دیگر مشخص شود و در ادامه از سامانه به‌دست‌آمده در تبیین مسائل گوناگون استفاده گردد. برای مثال می‌توان به سنت «برکت» اشاره کرد که ارتباطی تنگاتنگ با سنت رزق دارد؛ اما برای نمونه در اینجا می‌توان به برخی کارکردهای سنت رزق اشاره کرد؛ هرچند که این کارکردها مقدماتی‌اند و نیاز به تعمیق دارند.

از سنت رزق می‌توان در بعد اجتماعی در طراحی نظام اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی راستای تحقق تمدن نوین اسلامی استفاده کرد. همچنین می‌توان از آن در بُعد شخصی در طراحی سبک زندگی اسلامی بهره جست. نیز می‌توان از سنت رزق و خرده‌سنن مرتبط با آن در تحلیل سیاست‌های مختلف چه در داخل کشور و چه در ارتباط با خارج از کشور بهره جست. برای مثال بر اساس سنت رزق، خداوند رزق مؤمنین را در دستان کفار قرار نداده است و به نظر می‌رسد که مذاکره با جهان غرب در دوران تحریم برای رفع آن به سبب مشکلات اقتصادی، سیاستی اشتباه بوده است. به عبارت دیگر بنا بر سنت رزق، خداوند رزق بندگان را خود بر عهده گرفته است و جاری شدن آن، راه‌هایی دارد که باید از همان راه‌ها و مسیرها به دنبال طلب رزق رفت، نه صرفاً از مسیرهایی که بنا بر محاسبات مادی به آن می‌رسیم.

شناخت سنن مرتبط با رزق و اینکه خداوند از چه مسیرهایی رزق بندگان را به آنها می‌رساند و شناخت تدابیر خداوند در رزق دادن به بندگان، تأثیرات جدی بر نظام کسب و کار، هم در حد فردی و هم در حد سازمان و جامعه خواهد داشت. می‌توان نظام کسب و کار را در کلیه سطوح آن، مبتنی بر همین قواعد و سنن تنظیم کرد.

بر اساس این دیدگاه که تمام روابط و حرکت‌های عالم به اراده الهی و در چارچوب سنت‌های اوست، ضروری است به سنت‌های حاکم بر هستی توجه ویژه‌ای شود و با در نظر گرفتن آنها، برنامه‌ریزی در سطوح مختلف انجام گیرد. لازم است برای آنکه در مدیریت امور خود از اثربخشی و کارایی هرچه بیشتر برخوردار شویم، آن را با نظام تدبیر خداوند در عالم هماهنگ کنیم. اگر واقعاً در استفاده از نظام سنن الهی و دیگر آموزه‌های اسلام در بطن زندگی خود کوشا باشیم، خواهیم

دید که واقعاً دین مبین اسلام در زمینه‌های مختلف از جمله نظام کسب و کار، نظام اقتصادی، نظام مدیریتی و دیگر نظام‌های اجتماعی، حرف جدی دارد که قابل اجرا نیز هست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله گفته شد که علم مدیریت از علمی ارزش‌مدار بوده، تابع ارزش‌های جامعه و مکتب حاکم بر جامعه است. همچنین سنن الهی به عنوان یکی از آموزه‌های مهم اسلام و نظام ارزشی آن، در این مقاله مورد تأکید قرار گرفت که می‌تواند تأثیرات بسیار مهم و شگرفی بر مدیریت اسلامی داشته باشد. در همین راستا، جریان سنت رزق و خرده‌سنن مرتبط با آن، به عنوان یک مثال از سنن الهی، بر اساس آیات و روایات تبیین گردید. در این مقاله به بیست خرده‌سنت رزق که در عالم خلقت جریان دارند، به عنوان قوانینی که خداوند از طریق آنها رزق بندگان را به آنها می‌رساند، اشاره شد. در نهایت تأثیر این نظام سنن الهی و به طور خاص سنت رزق بر علم مدیریت به اجمال مورد بررسی قرار گرفت.

گفتنی است که این مقاله نقطه شروعی در تبیین اهمیت و ضرورت سنن الهی و لحاظ آنها در حوزه مدیریت اسلامی به حساب می‌آید. لازم است تا تحقیقات فراوان دیگری در این زمینه صورت گیرد تا هر یک از این سنن الهی بر اساس آیات و روایات تبیین گردد و پس از آن نظام حاکم بر سنن استخراج شود که در نهایت این نظام استخراج‌شده به عنوان مبنای تدوین علوم انسانی اسلامی و به طور خاص، علم مدیریت اسلامی لحاظ گردد. تدوین مدیریت اسلامی بدون توجه به این نظام سنن، از غنای لازم و کافی برخوردار نخواهد بود؛ چراکه این نظام سنن به مثابه نظام تدبیر خداوند در عالم خلقت است و مدیریت کردن در این عالم، بدون لحاظ این نظام تدبیر خداوند، از قابلیت و ثمره لازم برخوردار نیست.

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجاده.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأملی (للصدوق). تهران: کتابچی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶). ثواب الأعمال وعقاب الأعمال. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸). التوحید (للصدوق). قم: جامعه مدرسین.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۱۰. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۳۶۷ ق). کامل الزیارات. تهران: دارالمرتضویه.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. آل رسول، سوسن، و بردارد، پروین (۱۳۹۲). توسعه و قبض رزق و روزی از منظر قرآن کریم، کوثر. ۴۷: ۷۲-۵۹.
۱۴. امیری طهرانی، سید محمد رضا (۱۳۸۹). حق معاش، اصل موضوعه اقتصاد اسلامی، اقتصاد تطبیقی. (۱): ۲۲-۱.
۱۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل بیت.
۱۶. باقری، مصباح الهدی، و همکاران (۱۳۹۲). تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم، مدیریت اسلامی. ۶: ۲۵۵-۲۸۷.
۱۷. بحرانی، ه. (۱۴۲۸). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات.
۱۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. پورطولمی، منیر السادات (۱۳۸۹). رحمت اللهی و رزق بندگان در هستی شناسی قرآن، فذک. ۴۰: ۳۷-۵۶.
۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
۲۱. توکل، عبدالله (۱۳۹۱). تحلیل جایگاه ارزش ها در مدیریت؛ گامی در نظریه پردازی مدیریت اسلامی، روش شناسی علوم انسانی. ۷۱: ۹۹-۱۱۸.
۲۲. جدیدی، احمد (۱۳۹۰). رزق و روزی در قرآن و روایات، پژوهشنامه معارف قرآنی. ۵: ۲۵-۵۸.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). صحاح اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
۲۴. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، و ساجدی، فاطمه (۱۳۹۰). مفهوم شناسی رزق معنوی در قرآن با محوریت حضرت موسی و نوع ۸، کوثر. ۳۹: ۱۵۷-۱۷۶.
۲۵. حجازی فر، سعید (۱۳۹۶). رویکردها و منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی، مجله مدیریت اسلامی. ۱۷: ۵۷-۸۹.
۲۶. حجتی، سید محمد باقر، و رضایی، علی (۱۳۸۶). جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۳: ۷-۳۲.
۲۷. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل بیت.
۲۸. خسروی حسین، (۱۳۹۴). وسعت رزق و روزی. قم: طوبای محبت.
۲۹. دهدست، محمدرضا (۱۳۹۱). رزق را روزی رسان پر می دهد؛ رزق و روزی از دیدگاه آیات و روایات، رشد آموزش معارف اسلامی. ۸۴: ۲۰-۲۴.
۳۰. دهقان، روشن، و هادوی، اصغر (۱۳۹۵). آثار طبیعی رزق حلال با تأکید بر آیات و روایات، پژوهشنامه معارف قرآنی. ۲۴: ۸۳-۱۰۳.

۳۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۱). *إرشاد القلوب*. قم: الشریف الرضی.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات*. بیروت: دارالقلم.
۳۳. رحیمی، مرتضی (۱۳۹۲). نقش رزق حلال در استحکام نهاد خانواده در سیره و سخن امام رضا، فرهنگ رضوی. ۱ (۲): ۱۲۵-۱۵۴.
۳۴. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳). *سنت‌های تاریخ در قرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. طباطبائی سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه ع. موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. طبرسی فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف الرضی.
۳۹. طریحی فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
۴۰. عاملی، حر (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۴۱. عبد‌اللهی پور، مهدی (۱۳۹۱). فلسفه تکفل روزی‌ها از جانب خداوند در قرآن، *فیسات*. ۶۳: ۱۵۷-۱۷۴.
۴۲. عبد‌اللهی پور، مهدی، و مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۱). حکمت گونه‌گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن، *اندیشه نوین دینی*. ۸ (۲۹): ۵۳-۶۸.
۴۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۴. فروزنده دهکردی، لطف‌الله، و ملائی، الهه (۱۳۸۸). بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب، *راهبرد توسعه*. ۱۷: ۱۶۶-۱۸۷.
۴۵. فولادگر، محمد (۱۳۸۲). رزق و رزاق از دیدگاه قرآن، *کوثر*. ۱۰: ۲۵-۳۵.
۴۶. فولادگر، محمد، و خاری آرانی، سمیه (۱۳۹۴). بازکاوی عوامل توسعه رزق در اسلام، *معرفت*. ۲۱۲: ۴۱-۵۶.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰ق). *بحارالانوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۹. محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۵۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). *تبیین مفهوم مدیریت اسلامی*. *مجله معرفت*. ۱۷: ۱۳-۱۶.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۴. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۵. نجاری، رضا (۱۳۸۷). *مبانی مدیریت اسلامی*. تهران: دانشگاه پیام نور.